لزوم استظهاردرست از ادله

این عبارتی که فقها گفته‌اند، یک نحو استنباطی از دلیل شرعی است، آن هم استنباطی غلط.

جلوترها مباحثه‌ای بود، در مورد بحث ربا. به اینجاها که می‌رسم یادم می‌آید. ادله چیزی بود، فقها از لسان دلیل، استنباطی کرده بودند که چه لوازمی بود و به ذهن می‌آمد آن استنباط درست نبود. یعنی گاهی از یک دلیلی استنباطی می‌شود... .

الآن این روایت را ببینید. خیلی صاف دارد می‌گوید اصل وجوب نماز جمعه هست؛ نماز جمعه از واجبات است. بعد در طول آن، ترخیص آمده. نه این‌که اول نماز جمعه مشروطاً باذکور، اجاب شده باشد. مرحوم محقق، محقق در فقه هستند؛ با همان ضوابطی که از فقه در ذهنشان هست، درست می‌گویند؛ می‌گویند ما چه کار کنیم؟! شرط ذکورت است. از کجا مطمئن شویم حال که او حاضر شد، شرط الوجوب را به شارع نسبت بدهیم؟! وجوب را از کجا به شارع نسبت می‌دهیم؟! لذا ایشان روایت حفص را تضعیف کردند. چون متوجه بودند که اگر مفاد روایت حفص را بپذیرند کار تمام است. چرا؟ چون آن روایت نمی‌گوید شرط وجوب، ذکورت است. می‌گوید در پایه اولی وجوب برای همه هست، بعد به هر علتی برای مرأة ترخیصی آمده و بعد از این‌که حاضر شد، ترخیص می‌رود. «فاذا حضروها سقطت الرخصة و يلزمهم الفرض الأول».

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 12:29:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 12:29:49 توسط ... .